

پیوند بیرونی

ازدواج یک مرد با دو زن در یک روز

یک مرد پاکستانی در ۲۴ ساعت با دو زن ازدواج کرد. به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی «داون» پاکستان، «فلتر حیدری» که یک مرد ۲۸ساله و اهل پاکستان است در مصاحبه با رسانه‌های دولتی این کشور عنوان کرد: من از زمان کودکی با دختر عموم که «همبرا قاسم حیدری» نام دارد، نامزد بوده‌ایم، اما من علاقه‌ای به ازدواج با او نداشتم. این مرد جوان ادامه داد: من عاشق یک دختر ۲۱ساله به نام «رومانا اسلام» هستم. هنگامی که این موضوع را با او در میان گذاشتم، او پیشنهاد کرد که با او و دختر عموم ازدواج کنم و من هم پذیرفتم. پس از آن قرار شد در عرض ۲۴ ساعت با هر دو آنها ازدواج کنم. این مرد جوان ۲۸ساله که شاگرد یک عطاری است، خاطرنشان کرد: من از اینکه همزمان می‌توانم با دو زن ازدواج کنم، بسیار خوشحالم.

بازگشت مرد ۱۰۰ساله هندی به دانشگاه

گروه حوادث: یک مرد ۱۰۰ساله هندی قصد دارد بار دیگر به دانشگاه بازگردد و ادامه تحصیل دهد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی تلگراف، «بولارام داس» تصمیم دارد در دوره دکتری دانشگاه «گاندی» در شمال شرق ایالت «آسام» در هندوستان شرکت کند. رسانه‌های دولتی این کشور او را کهنسال‌ترین دانشجوی این دانشگاه خوانده‌اند. این مرد ۱۰۰ساله که بیش از یک دهه به عنوان معلم، وکیل، قاضی و امین دادگاه فعالیت می‌کرد، رشته حقوق را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده است.

عقابی که عاشق میوه بود

عقابی که با وارد شدن به یک میوه‌فروشی در بلوار میرداماد موجب وحشت و هراس مردم شده بود، به دام آتش‌نشانان افتاد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، روز یکشنبه در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی و درخواست نیروی امداد، زنگ ایستگاه ۲۹ به صدا درآمد و آتش‌نشانان به سوی آدرس اعلام‌شده واقع در بلوار میرداماد، خیابان شمس تبریزی حرکت کردند. اسماعیل مقدم فرمانده همراه آتش‌نشانان گفت: آتش‌نشانان با دستکش و تجهیزات داخل این فروشگاه شدند و عقب را به دام انداختند و به تگرانی‌های شهروندان خاتمه دادند.

حادثه‌ها

سهل انگاری به قیمت جان مرد تعمیر کار تمام شد
گروه حوادث: یک تعمیر کار خودرو در ورامین در حالی که بدون استفاده از علام هشداردهنده در جاده مشغول تعمیر اتومبیل بود، پس اثر برخورد خودرو جان باخت. روز یکشنبه در کمربندی فرچک ورامین، یک دستگاه میخی‌بوس به علت نقص فنی در کنار جاده پارک کرد و فردی بدون قرار دادن علامت هشداردهنده در اطراف خودرو، مشغول تعمیر آن شد که ناگهان یک دستگاه کامیون با میخی‌بوس برخورد کرد و در این تصادف، تعمیر کار به نام «جواد وظیفه» زخمی و قبل از رسیدن به بیمارستان فوت شد. بنابر نظریه کارشناسان راهمایی و رانندگی، علت تصادف، عدم کنترل وسیله نقلیه توسط راننده کامیون بود.

۵۰ فقره سرقت پس از آزادی از زندان

گروه حوادث: سه نفر از مجرمان سابقه‌داری که پس از آزادی از زندان با تشکیل یک باند اقدام به سرقت از بیش از ۵۰ خودرو کرده بودند، دستگیر شدند. «سرهنگ اصالتی» فرمانده انتظامی شهرستان کرج در تشریح این خبر گفت: در پی وقوع چندین فقره سرقت داخل خودرو در اطراف مترو فردیس، ماموران به گشت‌زنی محسوس و نامحسوس در محل‌های پارک خودروها در اطراف مترو پرداختند و متهم را شناسایی کردند اصالتی افزود: متهم که حین سرقت از داخل خودرو دستگیر شده بود به ۵۰ فقره سرقت از داخل خودروها اعتراف کرد و گفت مدت یک ماه است که از زندان آزاد شده و با دو نفر از همدستانش با تشکیل گروهی با استفاده از موتورسیکلت و مسکن پایبند در دستور اطراف خودروهای پارک‌شده نزدیک مترو پرسه می‌زدند و وسایل داخل خودروهایی را که ارندگان آنها هنگام پارک خودرو، ماشین را ترک می‌کردند، سرقت می‌کردند. سرهنگ اصالتی خاطرنشان کرد: در تحقیقات انجام‌شده سه نفر مالخر وسایل سرقتی و همدستان سارق در چند عملیات جداگانه دستگیر و تعداد ۱۷ نفر از مالباختگان نیز شناسایی شدند. فرمانده انتظامی شهرستان کرج در پایان از مسافرائی که برای استفاده از مترو، خودرو خود را در اطراف ایستگاه پارک می‌کنند، شهادت تا حد امکان از پارکینگ‌ها استفاده و با دقت کامل بدون هیچ‌گونه غلبه و شبانی خودرو خود را از نظر مسائل ایمنی همچون بالا بودن شیشه‌ها، قفل بودن درها، استفاده از قفل پدال و فرمان کنترل کنند.

سارقان عصبانی ۱۴ نفر را زخمی کردند

گروه حوادث: سارقان عصبانی که ماموران کلپ شبانه آنها را به کلپ راه نداده بودند با اتومبیل وارد جمعیت شدند و ۱۴ نفر را زخمی کردند. به گزارش تلگراف، هفت زن و هفت مرد انگلیسی که ساعت دو بامداد یکشنبه پشت درهای کلپ مسافران ایستاده بودند ناگهان دیدند خودرویی حامل دو نفر وارد جمعیت شد و آنها را زیر گرفت. حال دو نفر از مجروحان وخیم گزارش شده است. این حادثه در منچستر به ساعت ده خودرو مورد نظر را پیدا کرد اما راننده و همدست وی متواری شده بودند. پلیس معتقد است مظنونان پس از آنکه به آنها اجازه ورود به کلپ شبانه داده نشد، عصبانی و با خودرو مسروقه وارد جمعیت شدند. پلیس می‌گوید مظنونان را شناسایی کرده‌است و به زودی آنها را بازداشت خواهد کرد.

دستگیری مسافران قاچاق در کاروان عروسی

۳۰ تبعه خارجی غیرمجاز که در قالب کاروان عروسی، قصد داشتند وارد کشور شوند دستگیر شدند. به گزارش ایسنا ماموران نیروی انتظامی تربت جام شامگاه یکشنبه حین کنترل خودروهای عبوری در مسیر صالح‌آباد به مشهد به مسافران یک دستگاه اتوبوس و چند خودرو سواری در یک کاروان عروسی مشکوک شدند. ماموران با بررسی مدارک مسافران بازداشتند ۱۶ مسافر اتوبوس از اتباع غیرمجاز و فاقد مدارک قانونی هستند. همچنین ماموران در بررسی سه دستگاه خودرو سواری نیز ۱۴ تبعه خارجی غیرمجاز را متشاهد و در مجموع ۲۰ زن و ۲۰ مرد را دستگیر کردند.

گروه حوادث: تلاش یک جوان معتاد برای خرید مواد

مخدر دست او را به خون یک استاد دانشگاه آلوده کرد. به گزارش خبرنگار ما ساعت ۱۸ روز ۲۰ شهریورماه تماس تلفنی یکی از ساکنان ساختمانی در شهرک گلستان ماموران کلادتری را به آنجا کشاند تا صحت و سقم خبر وقوع قتل در آن آپارتمان را بررسی کنند. کشف جنازه زنی جوان که آثار بریدگی روی پیکرش مشهود و دست و پایش بسته بود، هیچ تردیدی درباره ورود جنایت باقی نگذاشت، اما آنچه از تحقیق درباره این قتل مشخص بود و در اولویت قرار داشت نجات جان دخترپچه پنج‌ساله‌ای بود که گلویش را بریده بودند اما هنوز نفس می‌کشید.

همزمان با انتقال این کودک به بیمارستان، کارآگاهان جنایی به محل حادثه رسیدند و تفتحص‌هایشان را با بازجویی از فردی آغاز کردند که در طبقه پایین خانه مقتول زندگی می‌کرد و اولین بار پلیس را از این حادثه مطلع کرده بود. این شخص که خود نیز از گزند قاتل در امان نمانده و از سوی وی مورد ضرب و جرح قرار گرفته بود به ماموران گفت: «شوهر خاطره با من تماس گرفت و گفت در حال مکالمه با همسرش بود که ناگهان تلفن قطع شد و بعد از آن هم زنش دیگر گوشی را برنداشت. من به درخواست شوهر خاطره به طبقه ششم رفتم. همین‌که جلوی این واحد - محل قتل- رسیدیم جوان ۲۰ساله‌ای را دیدم که از آپارتمان خارج شد. از او درباره حال خاطره پرسیدم که جواب داد او خوب است ولی من که مشکوک شده بودم، خواستم مانع خروج پسر جوان شوم ولی او با مشت ضربهای به صورت‌م زد و فرار کرد.»

شخصاتی که همسایه مقتول ۲۳ساله از پسر ناشناس ارانه داد به نظر شوهر مقتول به نام بهادر، آشنا آمد. این زن و شوهر که هر دو استاد دانشگاه بودند چندی قبل تصمیم

گرفتند خانه‌شان را بفروشند. برای همین از یک بنگاه معاملات املاک کمک گرفتند و توصیف شاهد قتل، شوهر خاطره را به یاد جوانی انداخت که در آن بنگاه کار می‌کرد. او پسری ۲۰ساله به نام فرشاد از پدرم تقاضای وجه نقد کردم و هنگامی که کار آگاهان به محل کار فرشاد رفتند، فهمیدند او پس از جنایت متواری شده است. پدر مظنون به قتل به ماموران گفت: «فرشاد پس از خارج شدن از منزل مقتول با من تماس گرفت و در خیابان قرار گذاشت. او در ملاقات کوتاهی که با من داشت، گفت وقتی به خانه «بهادر» رفته، دیدم در آن خانه قتلی به وقوع پیوسته. پسرم به من گفت با دیدن جسد از ترس فرار کرده است.»

گفته‌های پدر فرشاد درباره ملاقات کوتاه با فرزندش نمی‌توانست به معنی بی‌گناهی پسر ۲۰ساله باشد، به همین دلیل افسران جنایی به جست‌وجو برای یافتن ردپایی از متهم ادامه دادند تا اینکه به آنها خبر رسید فرشاد همراه پدرش به کلادتری شهرک گلستان رفته و خودش را تسلیم کرده است.

فرشاد پس از انتقال به پلیس آگاهی همان حرف‌هایی را که به پدرش گفته بود یک بار دیگر تکرار کرد و مدعی شد در قتل زن جوان هیچ نقشی نداشته‌است. به‌رغم این

حوادث

پسر معتاد برای خرید مواد یک استاد دانشگاه را کشت



انکارها بازجویی از وی ادامه یافت تا اینکه بالاخره به قتل استاد دانشگاه با انگیزه سرقت شروع به داد و فریاد زدن کرد. من که در آن شرایط وضعیت عادی نداشتم چند ضربه چاقو نیز به گردن دخترپچه زدم که خاطره با مشاهده این صحنه به قصد دفاع از دخترش به سمتم آمد و من این بار ضربه دیگری به دستش زدم و به او گفتم باید محل نگهداری پول‌ها را نشان دهد. او هم سه تاراول‌چک ۱۰۰ هزار تومانی را از جیب کت شوهرش درآورد و به من داد. پس از گرفتن پول و از ترس اینکه خاطره موضوع را به پلیس خواهد گفت، گردن و دست‌هایش را با پارچه‌ای بستم و چندین ضربه چاقوی دیگر به او زدم و به دنبال فرزندش رفتم که متوجه شدم از منزل خارج شده است. من در لحظه فرار از خانه، با زن همسایه روبه‌رو و با او درگیر شدم و سپس گریختم.»

متهم دربارنحوه آشنایی‌اش با قربانی‌گفت: «بهادر و همسرش از مدت‌ها پیش در شهرک

گلستان سکونت دارند. از چندی پیش آنها قصد داشتند خانه‌شان را بفروشند، به همین علت با مراجعه به مشاور املاک پدرم، در همان شهرک محل سکونت‌شان، از ما خواسته بودند منزل‌شان را بفروشیم. به واسطه اینکه در چندین نوبت برای نشان دادن آپارتمان به چندین مشتری به منزل آنها رفته و با آنها آشنا شده بودم، خاطره و همسرش مرا کاملاً می‌شناختند.»

متهم در ادامه اظهاراتش گفت: «در روز ارتکاب قتل به بهانه اینکه دو مشتری تا چند دقیقه دیگر وارد خواهند شد وارد خانه مقتول شدم. در همین لحظه صدای زنگ تلفن به صدا درآمد و خاطره برای جواب دادن به تلفن به داخل

سرایدار باغ راز ناپدید شدن زن دستفروش را می‌دانست

مرد متهم به قتل دیروز به صورت غیرعلنی محاکمه شد

شد بوی تعفن بیرون آمد و ماموران متوجه شدند جسدی در آن است. وقتی جنازه بیرون کشیده شد و به پزشکی قانونی انتقال یافت، پسر مریم به سردخانه رفت و پیکر مادرش را شناسایی کرد. در ادامه متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند مریم با جسمی نرم و قابل انعطاف خفه شده و علت خفگی نیز فشار بر عناصر حیاتی گردن است.

از آنجایی‌که هیچ کس به جز سرد افغان در آن باغ نبود، وی بازداشت‌شد و تحت بازجویی‌های فنی پلیسی قرار گرفت. او سرانجام لب به اعتراف گشود و گفت: چند سال بود که مریم را می‌شناختم و با او رابطه داشتم. مدتی ارتباط‌بم با او قطع شد. یک روز قبل از حادثه وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم کسی به تلفن همراهم زنگ زده است. شماره مریم بود. خیلی وقت بود او را ندیده بودم. با او تماس گرفتم. او گفت می‌خواهد به دیدنم بیاید. چون مدت‌ها بود او را ملاقات نکرده بودم خوشحال شدم. با هم قرار گذاشتیم و روز حادثه او به دیدن من آمد. وی ادامه داد: با هم رابطه برقرار کردیم و سپس او به من گفت پول می‌خواهد. من مدت زیادی با مریم رابطه

اتاق رفت و من نیز در یک لحظه با چاقویی که همراه داشتم او را مجروح کردم و از او خواستم هر چقدر پول در خانه دارد به من بدهد. در همین زمان دختر او وارد اتاق شد و شروع به داد و فریاد زدن کرد. من که در آن شرایط وضعیت عادی نداشتم چند ضربه چاقو نیز به گردن دخترپچه زدم که خاطره با مشاهده این صحنه به قصد دفاع از دخترش به سمتم آمد و من این بار ضربه دیگری به دستش زدم و به او گفتم باید محل نگهداری پول‌ها را نشان دهد. او هم سه تاراول‌چک ۱۰۰ هزار تومانی را از جیب کت شوهرش درآورد و به من داد. پس از گرفتن پول و از ترس اینکه خاطره موضوع را به پلیس خواهد گفت، گردن و دست‌هایش را با پارچه‌ای بستم و چندین ضربه چاقوی دیگر به او زدم و به دنبال فرزندش رفتم که متوجه شدم از منزل خارج شده است. من در لحظه فرار از خانه، با زن همسایه روبه‌رو و با او درگیر شدم و سپس گریختم.»

متهم ادامه داد: «پس از خارج شدن از مجتمع با پدرام تماس گرفتم و به او گفتم با یک صحنه قتل روبه‌رو شدم. او دنبال‌ما پیش در شهرک تاراول‌های ۱۰۰ هزار تومانی را زیر صندلی خودرو مخفی کردم اما پس از گذشت چند ساعت و به اصرار پدر و برادرم که گمان می‌کردند من بی‌گناه هستم، خودم را به کلادتری معرفی کردم.» بنا بر این گزارش متهم بعد از این اعترافات روانه بازداشتگاه شد.

سرهنگ کارآگاه سعید لیاوی معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران درباره این جنایت گفت: با توجه به اعترافات صریح متهم به ارتکاب قتل، مراتب به بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی اطلاع داده شد و او با قرار بازداشت موقت برای تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

داشت اما او هرگز از من پول نخواست‌بود. این بار می‌گفت باید ۵۰ هزار تومان به او بدهم. من هم قبول نکردم و با هم دعوا کردم. خیلی عصبانی شده بودم. مریم وقتی دید من عصبی هستم خواسته‌اش را پس گرفت و التماس کرد او را نکشم اما آن روز خیلی عصبی بودم و او را کشتم. متهم درباره نحوه قتل گفت: روسری مریم را دور گردنش پیچیدم و آنقدر فشار دادم که خفه شد. آن روز عصبی بودم و اصلاً نگران نبودم که مریم دست خودم نبود. وقتی مریم را کشتم برای اینکه جسدش را مخفی کنم. در چاهی متروک را که پشت باغ بود باز کردم و جنازه را داخل آن انداختم. با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست برای مرد افغان، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران سرشته‌اد شد و روز گذشته جلسه محاکمه این مرد نیز تشکیل شد. بعد از اینکه نماینده دادستان تهران کیفرخواست را خواند، اولیایی دم مریم در جایگاه حاضر شدند و تقاضای صدور حکم قصاص کردند. در ادامه مرد افغان در برابر اتهام قتل از خود دفاع کرد. بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

درست می‌کردیم و سپس آنها را می‌فروختیم. اعترافات افسنین از گستردگی فعالیت این شبکه حکایت می‌کرد. از این رو با اطلاعاتی که او در اختیار ماموران گذاشت مخفیگاه سایر اعضای باند در شهرک ناز فردیس کرج شناسایی شد. در این مرحله افسران پلیس این محل را به طور نامحسوس کنترل کردند و سرانجام در عملیاتی غافلگیرکننده سه سارق دیگر به نام‌های آرش، پیمان و سعید را دستگیر کردند. بررسی‌های اولیه درباره سعید فاش کرد و او لیسانس شیمی دارد و جاعل اصلی این شبکه تبهکاری است. همچنین در بازرسی از مخفیگاه متهمان، یک دستگاه پراید و دو دستگاه پیکان مسروقه که پلاکی با شماره‌های مشابه روی آنها نصب شده بود کشف شد. اینها تمام کشفیات پلیس نبود و جست‌وجوی بیشتر باعث شد ماموران مقدار زیادی اسلکناس‌های جعلی دو پنج و ۱۰ هزار تومانی، یک دستگاه نوت‌بوک و پرینتر و لوازمی را که متهمان برای جعل از آنها استفاده می‌کردند کشف کنند. هنگامی که چهار مرد دستگیر‌شده تحت بازجویی‌های فنی قرار گرفتند، مشخص شد پنج مرد دیگر نیز در این شبکه عضویت دارند. به این ترتیب در عملیات‌های جداگانه سایر متهمان نیز به دام افتادند.

«سرهنگ بهارذنی می‌گوید: ماموران با پلیس استان تهران با اعلام این خبر گفت: هم‌اکنون ۹ متهم پرونده با صدور قرار قانونی در بازداشت به سر می‌برند و بازجویی‌ها از آن ادامه دارد. معاون اجتماعی استان تهران همچنین از کشف ده‌ها دستگاه خودرو و موتورسیکلت مسروقه در پارکینگ‌های شهریار خبر داد و گفت: به دنبال به دست آمدن اطلاعاتی در خصوص نگهداری خودروهای مسروقه در برخی پارکینگ‌های شهریار روز ۲۲ همراه در قالب اجرای طرحی، پارکینگ‌های سطح این شهرستان مورد بررسی قرار گرفت و تعداد ۱۶ دستگاه خودرو و ۲۶ دستگاه موتورسیکلت مسروقه کشف شد.

به محل دیگری منتقل کنند. بنابراین در حالی که تمام متهمان در این انبار حضور داشتند، ماموران در عملیاتی ضربتی آنها را دستگیر و اجناس کلاهبرداری‌شده را توقیف کردند. متهمان در بازجویی‌ها مقدماتی اتهام کلاهبرداری را پذیرفته و گفتند تاکنون با این شیوه از ۲۰ نفر کلاهبرداری کرده‌اند. سرهنگ صادقی رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی با اعلام جزئیات این پرونده گفت: دستگیرشدگان در بازجویی‌ها اقرار کردند که قصد داشتند اموال کلاهبرداری‌شده را به طور مخفیانه بفروشند. وی همچنین افزود: تاکنون ۲۰ نفر از مالباختگان شناسایی شده‌اند اما چون ممکن است متهمان افراد بیشتری را اغفال کرده باشند تحقیقات برای افشایی پشت‌پرده این ماجرا ادامه دارد.

نگاه

یک مدرس حقوق خانواده متذکر شد خلأهای گسترده در حمایت از کودکان

یک مدرس حقوق خانواده با اشاره به دو پرونده کودک‌آزاری از خلأهای قانونی و ضعف‌های اجرایی در رابطه به حمایت از کودکان انتقاد کرد. دکتر زهرا داور پژوهشگر و مدرس حقوق خانواده در گفت‌وگو با ایسنا اشاره به دو مورد کودک‌آزاری صورت‌گرفته در یکی دو ماه گذشته گفت: این دو کودک‌آزاری مسائلی را دربرداشت که جا دارد راجع به آن بحث شود و حقوقدانان و سیستم قضایی حساسیت بیشتری نسبت به آن نشان دهند. در مورد اولی حضات دخترپچه سمسالهای به نام «ندا» به دلیل فوت پدر به مادر و به دلیل دلیل ازدواج مجدد مادر به پدر‌بزرگ و به دلیل کهنوت سنن وی به خانواده عمویی سپرده شد و نحوه رفتار با این دختر به گونه‌ای بود که منجر به کودک‌آزاری و نهایتاً فوت او شد. در این باره باید گفت اولاً بر مبنای قانون ما، حضانت در صورت فوت یکی از والدین بر عهده والد زنده است و این با موضوع ولایت فرق می‌کند. به علاوه حضانت دختر تا هفت سال باید با مادر باشد. داور با تاکید بر لزوم تحول در سیستم مربوط به حضانت کودکان در کشور عنوان کرد: در تمام دنیا وقتی از حقوق کودک صحبت می‌شود یکی از مباحث این است که دولت باید موظف به تامین و تضمین حقوق کودک باشد. همچنین ما در همه جای دنیا می‌بینیم سیستم مددکاری اجتماعی سیستم بسیار با جایگاه و تعریف‌شده‌ای است و وقتی حضانت به یکی از والدین سپرده می‌شود، مددکار اجتماعی بر چگونگی حق ملاقات و مراقبت از کودک نظارت دارد. این مدرس حقوق خانواده با اشاره به پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک ادامه داد: طبق ماده ۳ کنوانسیون، حفظ عالی‌ترین منفعت کودک باید محور همه فعالیت‌های دولت در حمایت از کودکان باشد. متأسفانه

ما در این زمینه خیلی ضعف داریم. سیستم مددکاری در قوه قضائیه ما جایگاهی را که باید داشته باشد، ندارد و در بحث حضانت چنین حمایت و پشتیبانی از کودک را عملاً نمی‌توانیم مشاهده کنیم. داور اضافه کرد: وقتی یک کودک از خانواده جدا می‌شود و به خانه عمو می‌آید هیچ نظارتی بر رفتاری که نسبت به این کودک می‌شود وجود ندارد، در حالی که ما می‌دانیم این کودک‌آزاری مورد اول نیست و احتمالاً مورد آخر نیز نخواهد بود. در این مورد می‌بینیم هر چند کودک به خوشبوآوند سپرده می‌شود اما کودک‌آزاری به مرگ کودک می‌انجامد. سوبولیت این کودک‌آزاری در معنای عام آن با دولت است. این پژوهشگر خاطرنشان کرد: اگر قوه قضائیه سیستم مددکاری داشت و خانواده اند احساس می‌کردند که کسی عملکردشان را زیر خصوص کودکی که حضانت‌اش را بر عهده دارند، زیر نظر دارد، طبیعتاً رفتارها تغییر می‌کرد. مبنای قانونی ما در مورد حضانت کودکان مطلقاً دچار خلأست. داور افزود: دولت باید در این رابطه بحث مددکاری را به عنوان قانون تکمیل‌کننده وارد و جایگاه آن را مشخص و مسوولیت نظارت بر اجرایی حضانت را در دیاره مددکاری واکزار کند. این مدرس دانشگاه با بیان اینکه قوه مجریه باید در این زمینه فرهنگ‌سازی انجام دهد، اضافه کرد: ما در زمینه فرهنگ‌سازی مشکلات فراوانی داریم. با اینکه در قرآن و متون مذهبی، آیات و روایات فراوان در رابطه با یتیم‌هاوزی، محبت به یتیم، حمایت از یتیم، نخوردن مال یتیم، نزدیک نشدن به مال یتیم داریم اما در جامعه‌مان متأسفانه با بی‌اخلاقی‌هایی در این رابطه مواجه می‌شویم که نشان می‌دهد نیاز به ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در این زمینه وارد دارد که مسلمانا یکی از متولیان ارتقای فرهنگ حقوقی دولت است. داور در ادامه با اشاره به مورد دیگری از کودک‌آزاری که مربوط به آزار و اذیت یک پسر ۱۲ساله توسط یک شرور است با اشاره به اینکه متهم بعد از دستگیری با قرار وثیقه آزاد شد و پدر این کودک را نیز مورد حمله قرار داد، خاطرنشان کرد: طبیعتاً یک بعد این قضیه، بعد امنیت اجتماعی، اطلاع‌رسانی، نظارت و کنترل است که باید توسط سیستم‌های دولتی انجام شود اما آنچه این مساله را قابل تامل می‌کند و نیاز به نقد حقوقدانان و سیستم قضایی دارد، این است که وقتی پدر بچه از آن شرور شکایت می‌کند و آن فرد را دستگیر می‌کنند او را با وثیقه آزاد می‌کنند. حال آیا آزار و اذیت یک کودک ۱۲ساله جرمی است که متهم آن با وثیقه آزاد شود؟ آیا این کار عملاً میدان دادن به مجرم و ایجاد زمینه‌های بعدی و بیشتر برای این جریان نیست؟ آیا نیاز نیست که در برخی از جرائم خصوصاً جرائمی که علیه اطفال و کسانی که نیازمند حمایت‌های بیشتر هستند انجام می‌شود، کمی سختگیر تر برخورد کنیم و وثیقه را نپذیریم؟ وقتی این فرد به راحتی با قرار وثیقه آزاد می‌شود، آنقدر نسبت به قانون جرمی می‌شود و در عملکردش احساس راحتی می‌کند که روز دادگاه پدر بچه را با چاقو می‌زند به طوری که بنا به اخبار روزنامه‌ها آن پدر حال چندان مساعدی هم ندارد. اکنون سوال اینجاست که سیستم قضایی ما در حمایت از افرادی که به آن پناه می‌آورند، تا‌خواهی می‌کنند چه چاره‌اندیشی دارد وقتی یک متهم به راحتی می‌تواند به صرف شکایت کردن یک شخص، او را با چاقو بزند. این فرد یک خطا و جرم کثیف مرتکب شده و بعد در مقابل شکایت، اقدام به ترساندن آن با صحنه خارج کست و چادر مدامیستم قضایی ما به مساله نگران‌کننده است و جا دارد سیستم قضایی ما به قوانین حمایتی و زمینه‌های حمایت حقوق کودک بیشتر توجه کند. ما در بعضی موارد به قانون و در بسیاری موارد نیاز به فرهنگ‌سازی حقوقی داریم.

خبر

زن و شوهر، دزدان حرفه‌ای طلا بودند

گروه حوادث: زن و شوهری که از جواهرفروشی‌ها سرقت می‌کردند به دام افتادند. سرهنگ قنبر مداحی رئیس پلیس آگاهی آذربایجان شرقی در این باره گفت: در این اعلام شکایت مبنی بر اینکه زن و شوهری در قالب خرید طلاوارد زرگری‌ها می‌شوند و با استفاده از شگردهای ویژه طلاهای اصلی را با بدلجات تعویض می‌کنند، رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس آگاهی تبریز قرار گرفت. او ادامه داد: ماموران با تشکیل یک اکیپ به محل وقوع سرقت‌ها رفتند و پس از مدتی مراقبت‌های ویژه و نامحسوس موفق شدند زوج سارق را حین متواری شدن از یک مغازه زرگری شناسایی و پس از مدتی تعقیب و گریز هر دو را دستگیر کنند. مداحی تصریح کرد: متهمان در بازجویی‌ها به اتهام‌شان اعتراف کردند و برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی فرستاده شدند.